

## نمادها و نشانه‌های حاکم بر مراسم تعمید و عشای ربّانی

با توجه به متن ششم از مجموعه متون سغدی مسیحی C2

آزاده حیدرپور (عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی)

این مجموعه حاوی دست‌نوشته‌های سغدی مسیحی است که به دست دومین و سومین هیئت آلمانی اعزامی به بولایبق، واقع در ده کیلومتری شمال تورفان چین، به ترتیب در سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۵ و ۱۹۰۵-۱۹۰۷، در خرابه‌های صومعه مسیحیان نستوری کشف شده‌اند و با عنوان مجموعه‌های برلین در شهر برلین نگاهداری می‌شوند.

(Sims-Williams 1990, p. 545)

متون سغدی مسیحی مشتمل است بر ترجمه بخش‌هایی از کتاب مقدس (متی، لوقا، مرقس، یوحنا)، سرودهای نیایش، روایات آباء و بزرگان کلیسا، روایاتی از زندگی و اعمال قدیسان و شهدای مسیحی، و موعظه و تفسیر. (Idem 1992c, p. 48)

بیشتر متون سغدی مسیحی از زبان سریانی، زبان دینی مسیحیان نستوری آسیای مرکزی، ترجمه شده است (زرشناس، ص ۱۴). در این متون، واژه‌های سریانی خاصه اصطلاحات مذهبی سریانی به وفور به کار رفته است. (Idem 1992b, p. 535)

متون سغدی مسیحی از فعالیت‌های تبلیغاتی پیروزمند مبلغان مسیحی نستوری در آسیای مرکزی حکایت دارند. نخستین ترجمه‌های متون سریانی مسیحی به زبان سغدی

پس از کوچ نستوریان ایرانی به آسیای مرکزی در زمان یزدگرد دوم ساسانی (۴۳۹-۴۵۷م) صورت گرفته است و تاریخ دقیق این ترجمه‌ها معلوم نیست. (درسین، ص ۸۲۵)  
گسترش مسیحیت در آسیای مرکزی از شهر مرو در مشرق ایران آغاز شد. این شهر دروازه آسیای مرکزی شمرده می‌شد و در سال ۳۶۰م به صورت پایگاهی برای مسیحیان نستوری درآمد. (Gillman and Klimkeit 1999, p. 209)

پس از آنکه نستوریان مسیحی در قرن پنجم میلادی در سرزمین سغد ساکن شدند، عده‌ای از سغدی‌زبانان به دین مسیحیت گرویدند. آنان الفبای سریانی را با تغییراتی برای نوشتن زبان سغدی به کار بردند (ابوالقاسمی، ص ۱۴۱). به گونه‌ای از الفبای سریانی که در نوشتن متون سغدی مسیحی به کار رفته است سطرنجبیلی می‌گویند. (زرشناس، ص ۱۴)  
متون سغدی مسیحی را دانشمندانی چون زاخاوا، مولر<sup>۱</sup>، هانزن، بنونیست<sup>۲</sup>، شوارتز، سیمز ویلیامز مطالعه و بررسی کردند. هانزن، در سال ۱۹۵۴، مجموعه بزرگی از متون سغدی مسیحی، شامل قطعاتی از کتاب مقدس و آموزه‌های حواریون و بزرگان و آبای کلیسا، را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد (HANSEN 1954, AAWLM, Nr. 15, C2). شوارتز، در سال ۱۹۶۷، متونی را که هانزن مطالعه کرده و برای اولین بار نام مجموعه C2 بر آنها نهاده بود مجدداً و با دقت بیشتری بررسی کرد و آن را به عنوان رساله دکتری خود در دانشگاه برکلی به چاپ رساند (SCHWARTZ 1967). پس از آن، سیمز ویلیامز، در سال ۱۹۸۵، متون "BSTii" یا "C2" را، که هانزن و شوارتز بررسی کرده بودند، با تحریرهای سریانی مقایسه و کامل کرد و آنها را به انگلیسی برگرداند و به عنوان رساله دکتری خود منتشر ساخت. (Sims-Williams 1985)

تحقیق سیمز ویلیامز بسی کامل‌تر از دستاورد هانزن و شوارتز بود؛ چون تحریرهای سریانی در قیاس با متن‌های سغدی مسیحی بسیار مفصل‌تر و افتادگی‌های آنها نیز بسیار کمتر است.

متن ششم از مجموعه دست‌نوشته‌های سغدی مسیحی "C2" در تفسیر اسرار کلیسا، غسل تعمید، مراسم عشای ربّانی، و آداب شستشوی پای مسیحیان است.

1) ZACHAU

2) MÜLLER

3) BENVENISTE

این متن شامل سه قطعه 56V و 57R و 57V (R اختصاری روی برگ و V اختصاری پشت برگ) است.

در این مقاله، آیین‌ها و جنبه‌های نمادین غسل تعمید و مراسم عشای ربّانی که در متن ششم سغدی وصف شده با آنچه در کتاب مقدّس (متّی، لوقا، مرقّس، یوحنا) آمده مقایسه شده است. سعی نگارنده بر آن بوده است که رمزها، نمادها، نشانه‌ها و حقایق منطوی در این مراسم بررسی شوند.

#### تعمید

تعمید یکی از آیین‌های مقدّس دین مسیحی است. این آیین پیش از ظهور حضرت مسیح علیه السّلام نیز وجود داشت و آن حضرت این رسم را در زمره فرایض مذهبی قرار داد (مرقس، باب شانزدهم، آیه ۱۶؛ متّی، باب بیست و هشتم، آیه ۱۹؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل تعمید). مصرف و تقدیس آب به عنوان تثلیث الوحده نشانه طهارت از ناپاکی گناه است و نسبت تعمید داده شده را با کلیسای مسیح معین می‌سازد. گناهان شخص تعمید یافته، در پرتو ادای این فریضه مذهبی، آمرزیده می‌شود و آن شخص از بار گناه خلاصی می‌یابد و نفس خود را وقف خدمت و اطاعت خدای تعالی می‌کند. (قاموس کتاب مقدس، ذیل تعمید) در انجیل متّی (باب سوم، آیات ۱-۷) آمده است:

و، در آن ایّام، یحیای تعمیددهنده در بیابان یهودیه ظاهر شده و موعظه می‌کرد که توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است؛ زیرا همین است آن که اشعیای نبی از او خبر داده می‌گوید: صدای نداکننده‌ای در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید و طرق او را راست نمایید. و این یحیای تعمیددهنده واعظ عدالت بود، لباس از پشم شتر می‌داشت و کمربند چرمی بر کمر داشت و خوراک او از ملخ و غسل دشتی بود.

در این هنگام، اورشلیم و تمام یهودیه و جمیع حوالی اردن نزد او بیرون می‌آمدند و به گناهان خود اعتراف نموده، در اردن از وی تعمید می‌یافتند. پس چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به جهت تعمید وی می‌آیند به ایشان گفت: «ای افعی زادگان! که (= چه کسی) شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید؟ اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید.» (نیز ← لوقا، باب سوم، آیات ۱-۹؛ مرقّس، باب اوّل، آیات ۱-۷)

تعمید یحیای تعمیددهنده اشاره به پاکی و طهارت باطنی دارد که از طریق توبه حقیقی حاصل می‌شود چنان‌که خود آن حضرت نیز از کسانی که قصد تعمید یافتن داشتند مقدمات توبه، اعتراف به گناهان و پشیمانی و توبه از آنها و ایمان به خداوند، را طلب می‌کرد. (قاموس کتاب مقدس، ذیل تعمید یحیی تعمیددهنده)

پس هنگامی که مردم از وی سؤال نمودند که باید چگونه عمل کنند، آن حضرت در پاسخ جواب داد که هر که دو جامه دارد یکی را به آن کسی که ندارد ببخشد، آن کسی که خوراک دارد گرسنگان را سیر نماید؛ و هنگامی که باجگیران برای تعمید نزد وی آمدند، آنان را توصیه کرد که «زیادتر از آنچه مقرر است مگیرید» و سپاهیان را فرمود که «بر کسی ظلم مکنید و بر هیچ‌کس افترا مزنید و به مواجب خود اکتفا کنید». (لوقا، باب سوم، آیات ۱۰-۱۴)

به قرار معلوم، تعمید یحیای تعمیددهنده مقدمه نیل به تعمید روح القدس است. (قاموس کتاب مقدس، همان‌جا) چنان‌که خود آن حضرت می‌فرماید:

من شما را به آب، به جهت توبه، تعمید می‌دهم لیکن آن‌که بعد از من می‌آید از من تواناتر است آن‌گونه که من لایق برداشتن نعلین او نیستم. او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. او غربال خود را در دست دارد و خرمن خود را نیکو پاک کرده، گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، ولی گاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید. (متی، باب سوم، آیات ۱۱-۱۲؛ نیز لوقا، باب سوم، آیات ۱۶-۱۸؛ مرقس، باب اول، آیات ۷-۸)

پس آن‌گاه عیسای مسیح از ناصره جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد؛ لیکن یحیای تعمیددهنده وی را منع نموده فرمود: «من نیاز دارم تا از تو تعمید یابم و آن‌گاه تو نزد من می‌آیی!» حضرت عیسی در جواب وی فرمود «الآن واگذار؛ زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم». پس عیسی، چون تعمید یافت، در ساعت، آسمان بروی گشاده شد و روی خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده بر وی می‌آید. آن‌گاه خطابی از آسمان در رسید که «این است پسر حبیب من که از او خوشنودم». (متی، باب سوم، آیات ۱۳-۱۷)

پس عیسی به دست روح القدس به بیابان برده شد تا ابلیس را تجربه نماید و چهل روز روزه داشت و، در آن ایام، چیزی نخورد و، چون آن ایام به سر رسید، آخرگرسنه گردید. (لوقا، باب چهارم، آیات ۱-۲؛ متی، باب چهارم، آیات ۱-۲)

اما تعمید به خودی خود باعث آمرزش گناهان نمی‌شود بلکه تنها کسانی به واقع تعمید می‌یابند که گناهان ایشان آمرزیده شده باشد. ایمان راه نجات و آماده‌سازی زندگی

معنوی است. کسی که برای نخستین بار تعمید داده می‌شود شیطان را منکر می‌شود. انکار اهریمن فی الواقع سوگند جنگ با شیطان و دوری از کردارهای زشت و پلید است. غسل تعمید، در حقیقت، نماد تولد و زندگی دوباره مؤمن است. آن علامتی که تعمیددهنده بر پیشانی شخص تعمیدگیرنده می‌گذارد نشانه آن است که سر، به عنوان منشأ خرد و اندیشه، در نبرد با دیوان، مهم‌ترین عضو اندام انسانی است. زانوزدن علامت و نماد افتادن ما به دامان گناه و برخاستن از حالت زانوزنی برای ستایش نشان برخاستن مسیح است که، با شفاعت او، طبیعت شخص تعمیدگیرنده بیدار می‌شود. (متن ششم، قطعه "56V"؛ Sims-Williams 1985, p. 112)

یادآور می‌شویم که مسیحیان در نحوه برگزاری تعمید اختلاف نظر دارند. گروهی اعتقاد دارند که بدن تعمیدگیرنده حُکماً باید در آب فرورود و، به اعتقاد برخی، سه بار. در عوض، بسیاری از مسیحیان برآنند که تنها پاشیدن آب بر تعمیدگیرنده کفایت می‌کند؛ زیرا هدف اصلی آن است که، به نام عیسی مسیح و برای آمرزش گناهان و مهیاگشتن شخص برای عطای روح القدس، عمل تعمید صورت گیرد. درباره تعمید اطفال نیز عده‌ای از مسیحیان اعتقاد دارند که تعمید اطفال مؤمنان واجب و همچون عهدی است میان ایشان و خدای تعالی. گروهی نیز بر آنند که تعمید اطفال جایز نیست؛ چون طفل توانایی اقرار به گناهان خود را ندارد. (← قاموس کتاب مقدس، ذیل تعمید)

به اعتقادی، در هنگام تعمید، هم تعمیددهنده و هم تعمیدگیرنده باید تا نزدیک کمر در آب فروروند و، درست مانند عمل تدفین، تعمیددهنده باید تعمیدگیرنده را به پشت و به نام عیسی مسیح در آب فرورود و بلافاصله از آب خارج کند و این حرکت بر آن دلالت دارد که تعمیدگیرنده با عیسی مسیح برای حیاتی تازه قیام کرده است. بنابراین، نه آب پاشیدن و نه ریختن آب بر روی شخص، هیچ‌کدام، تعمید به حساب نمی‌آیند. تذکر این نکته لازم است که آداب تعمید به قیام و تولد دوباره حضرت عیسی سه روز پس از مرگ (به اعتقاد مسیحیان) اشاره دارد.

در عهد جدید آمده است:

پس چون سبت گذشته بود، مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب و سالومه حنوط خریده آمدند تا او را تدفین کنند و، صبح روز یکشنبه، بسیار زود وقت طلوع آفتاب، بر سر قبر آمدند و

با یکدیگر می‌گفتند: «کیست که سنگ را برای ما از سر قبر بغلتاند؟» چون نگریستند، دیدند که سنگ غلتانیده شده است و، چون به قبر درآمدند، جوانی (فرشته‌ای) را، که جامه درخشان در بر داشت و بر جانب راست نشسته بود، دیدند. پس متحیر شدند. او به ایشان گفت: «ترسان مباشید! آیا عیسای مصلوبِ ناصری را می‌طلبید؟ در اینجا نیست. چرا زنده را در میان مردگان می‌جوئید؟ به یاد آورید که چگونه، وقتی که در ناصره جلیل بود، شما را خبر داده گفت: «ضروری است که پسر انسان به دست مردم گناهکار تسلیم شده مصلوب گردد و روز سوم برخیزد». (لوقا، باب بیست و چهارم، آیات ۱-۷؛ نیز ← متی، باب بیست و هشتم، آیات ۱-۸)

در نظر آنان که معتقدند که تعمیدگیرنده را سه بار باید در آب فرو برد، این عمل رمز و نماد آن سه روزی شمرده شده است که سرور آنان عیسی علیه السلام، در اقلیم مردگان بوده است. همچنین کسانی که در تعمید از آب پاش استفاده می‌کنند اعتقاد دارند که آب درون آب پاش نمادی است از آب درونِ رحم که زندگی و تولد از آن نشئت می‌گیرد. (متن ششم، قطعه "56V"; Sims-Williams 1985, p. 112)

اینکه تعمیددهنده می‌گوید: «فلان تعمید می‌پذیرد» و نمی‌گوید که «فلان را تعمید می‌دهم» نشانه آن است که به این کار مهیب با رحمت الهی ارزش می‌بخشد؛ برخاستن از سنگابِ تعمید نمادِ معراج عیسی است؛ شال و سرپوش بر سر نوگرویده نشانه آن آزادی است که از عیسی مسیح پذیرفته است؛ لباس سفید نمادی از شکوه بهشتی است؛ بوی خوشی که در مقابل نوگرویده می‌گیرند نمادی از برکت است؛ چراغ نشانِ درک آن روشنایی است که نوگرویده با تعمید به نام اب و ابن و روح القدس پذیرفته است همان‌گونه که عیسی مسیح با توسل به نیروی این سه نام از گور برخاست و به بهشت عروج کرد. (متن ششم، قطعه "57R"; Sims-Williams 1985, p. 113)

در رساله پولس خطاب به رومیان، در باب تعمید آمده است:

پس چون که در موت او تعمید یافتیم یا او دفن شدیم تا آنکه، به همین قسمی که مسیح، به جلال پدر، از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم؛ زیرا، اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد. (کتاب مقدس، رساله پولس رسول به رومیان، باب ششم، ۴-۵)

پس می‌توان نتیجه گرفت که تعمید، در حقیقت، به معنی مردن و مدفون گشتن در رابطه با گناه و زنده شدن و حیات دوباره یافتن با این تلقی و ایمان است که خداوند عالم مسیح را از

میان مردگان برخیزاند. تعمید حیات معنوی تازه یافتن و دست شستن از گناه و تباهی است. عمل تعمید به آن منظور صورت نمی‌گیرد که گناهکار خشک در آب وارد شود و خیس از آن خارج گردد بلکه منظور آن است که گناهکار توبه و استغفار کند و از جانب خداوند بخشوده شود، با خدا آشتی کند و به نجات اطمینان یابد. (← نشانی اینترنتی)

نوگرویده یا تعمید یافته به صحن کلیسا وارد می‌شود که نشانه یکی شدن معنوی او با عیسی مسیح است و شنیدن کلمات کتاب مقدس متناظر با نان و آبی است که به جسم خوراک می‌دهد و سبب علو روحانی نوگرویده می‌گردد. شست و شوی دست‌ها نماد دست شستن از همه پندارها و کردارهای بد است؛ صلح مؤمنان بیانگر آن است که دشمنی را از یکدیگر دور می‌سازند. (متن ششم، قطعه "57R"؛ Sims-Williams 1985, p. 113)

اما عمل تعمید فی حد ذاته سبب ولادت ثانی نمی‌شود چنان‌که از حکایت گرنیلیوس معلوم می‌گردد که روح القدس قبل از تعمید در وی داخل شد و، در عوض، شمعون ساحر، به رغم تعمید یافتن، به حیات تازه نرسید و همچنان کارهای پیشین را تکرار می‌کرد. (قاموس کتاب مقدس، همان جا)

### عشای ربّانی

در کتاب مقدس آمده است:

به ایشان گفت: «اشتیاق بسیار داشتیم که، پیش از زحمت دیدنم، این فصیح را با شما بخورم؛ زیرا به شما می‌گویم از این دیگر نمی‌خورم تا وقتی که در ملکوت خدا تمام شود.» (لوقا، باب بیست و دوم، آیات ۱۴-۱۶؛ نیز ← مرقس، باب چهاردهم، آیات ۱۷-۱۸؛ متی، باب بیست و ششم، آیات ۱۸-۲۰)

و چون غذا می‌خوردند عیسی نان را گرفته برکت داد و پاره کرده به ایشان داد و گفت: «بگیرید و بخورید که این جسد من است که برای شما داده می‌شود.» و پیاله‌ای گرفته شکر نموده و به ایشان داد و همه از آن آشامیدند و به ایشان گفت: «این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود.» (متی، باب بیست و ششم، آیات ۲۶-۲۸)

عیسی از ریخته شدن خون خویش در پیاله سخن می‌گوید نه ریخته شدن شرابی در آن و این از آن روست که خود را چونان قربانی فصیح قوم یهود می‌داند که با ریختن خون وی از

دیگران رفع بلا شد. (← نشانهٔ اینترنتی)

پیش از آنکه به توضیح رمز مراسم عشای ربّانی بپردازیم، لازم است اندکی دربارهٔ فصیح سخن بگوییم که در عبری (پسح) به معنی «از بالا گذاشتن و نزدن» است. در عهد عتیق آمده است:

و خداوند موسی و هارون را در زمین مصر مخاطب ساخته فرمود: «تمامی جماعت اسرائیل را خطاب کرده گویند که، در دهم این ماه، هر یکی از ایشان بره‌ای به حسب خانه‌های پدران خود بگیرند، یعنی بر هر خانه یک بره؛ و اگر اهل خانه برای بره کم باشند، آن‌گاه او و همسایه‌اش که مجاور خانه او باشد. برهٔ شما بی‌عیب، نرینهٔ یک‌ساله باشد؛ و آن را تا چهاردهم این ماه نگاه دارید؛ و تمامی انجمن جماعت بنی اسرائیل آن را در عصر ذبح کنند و از خون آن بگیرند و آن را بر هر دو قائمهٔ در و سردر خانه‌ای که، در آن، بره را می‌خورند بپاشند و گوشتش را در آن شب بخورند، به آتش بریان کرده، با نان فطیر و ... زیرا این فصیح خداوند است. و، در آن شب، از زمین مصر عبور خواهیم کرد و همهٔ نخست‌زادگان زمین مصر را از انسان و بهایم خواهیم زد و بر تمامی خدایان مصر دآوری خواهیم کرد. من یهوه هستم و آن خون علامتی برای شما خواهد بود. و چون خون را ببینم، از شما خواهم گذشت و، هنگام که زمین مصر را می‌زنم، آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد. و آن روز شما را برای یادگاری خواهد بود و در آن عیدی برای خداوند نگاه دارید و آن را به قانون ابدی، نسلاً بعد نسل، عید نگاه دارید. هفت روز نان فطیر خورید؛ در روز اوّل، خمیر مایه را از خانه‌های خود بیرون کنید...». (خروج، باب دوازدهم، ۱-۱۵)

و این‌گونه است که قربانی کردن فصیح خداوند که از خانه‌های بنی اسرائیل در مصر عبور کرد، در میان قوم یهود، به عنوان یک رسم دیرینه، باقی ماند. (← خروج، باب دوازدهم، ۲۷) مسیحیان عموماً برگزاری مراسم عشای ربّانی را از جمله فرایض دینی می‌شمارند که باید، تا پایان عمر دنیا، در کلیسای مسیح اجرا شود و آن را یکی از امتیازات هر مسیحی می‌دانند. این مراسم، هرچند فی حدّ ذاته کم‌اهمیت به نظر می‌رسد، در حقیقت، جایگاه بلندی دارد؛ زیرا هدف اصلی از برگزاری آن یادآوری مرگ حضرت مسیح است که به کفّارهٔ گناهان دیگران و برای سلامت آنان مصلوب شد.

همچنان‌که اشاره رفت، نان و شراب نماد تن و خون مسیح است. لیکن نباید سخنان مسیح و آیات کتاب مقدس را به معنای ظاهری آنها گرفت. نان و شراب نمی‌توانند عیناً جسم و خون عیسی مسیح باشند؛ انجیلیون معتقدند که مضامین این تکالیف دینی



معنوی و یادآور شکنجه و مرگ حضرت مسیح و رهائی مسیحیان از گناه است و این تازمانی ادامه دارد که عیسای نجات‌دهنده، که مراسم شام مقدّس را نهادینه کرد، بازآید و در ملکوت خداوند همراه با همه فدیهدگان مراسم عشای ربّانی را برپا کند. (قرتیمان، باب یازدهم، ۲۶؛ نشانی اینترنتی)

در قطعه "57R" از متن ششم آمده است که محراب کلیسا نماد و نشانه گور عیسای مسیح است؛ نان و شراب نشانه‌هایی از تن و خون عیسی مسیح‌اند؛ سرپوشی که بر روی بشقاب و پیاله قرار می‌دهند نماد سنگی است که بر روی گور عیسی نهاده شده بود. مؤمن مسیحی، در مراسم عشای ربّانی، در جایگاه روح حضرت عیسی قرار می‌گیرد که با شیطان درآویخت و به بهشت عروج کرد؛ به منزله زبانی در سر کالبد کلیسا می‌گردد؛ نقاشی است که معنویات را به رمز نقش می‌زند؛ شماس‌ها (دو تن در محراب) نماد فرشتگانی هستند که از پاها و سر سرور ما برآمدند. افتادن و زانو زدن آنها بر روی زمین نماد آن نگاهبانانی است که برگور عیسی پاس می‌دادند و به هنگام رستخیز و قیام عیسی از ترس بر زمین افتادند. (Sims-Williams 1985, p. 113)

نان مراسم عشای ربّانی هم نمادی است از بدن مصلوب عیسی مسیح و هم نمادی از کلیسا که، هرچند از اعضای بسیاری تشکیل شده، مجموعه‌ای واحد است و از این روست که نان پیش از تقسیم شدن پاره پاره می‌گردد. همان‌گونه که جسم خاکی مسیح از مجموعه‌ای از اعضا پدید آمده است؛ کلیسای مسیحیان نیز از مجموعه‌ای از مؤمنان به وجود آمده است که، با تعمید و عطای روح‌القدس، به وحدت و یگانگی الهی دست می‌یابند. عیسای مسیح نیز در حکم سر این کالبد است. این جماعت با هر کس که از خدا برکت می‌گیرد شادی می‌کنند و با هر دردمنند و رنجوری رنج می‌کشند و این مصداق فرموده سعدی علیه‌الرحمه است که چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار و تعمید، در واقع، نشانه‌ای است که با آن هر مؤمنی به امت کلیسای مسیحی می‌پیوندد.

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، سمت، تهران ۱۳۸۴.
- درسدن، مارک، «زبان و ادب سغدی»، تاریخ ایران، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت دوم)، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، امیرکمیر، تهران ۱۳۸۱، ص ۸۱۳-۸۳۰.
- کتاب مقدس.
- لغت‌نامه دهخدا، تهران ۱۳۸۵.
- زرشناس، زهره، جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی (مجموعه مقالات)، گردآورده ویدا نذاف، مؤسسه انتشاراتی فروهر، تهران ۱۳۸۰.
- قاموس کتاب مقدس ← هاکس
- قربیب، بدرالزمان، «صرف اسم در زبان سغدی»، مجله زبانشناسی، سال هفتم، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۶۹)، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۸۹-۱۰۴.
- \_\_\_\_، فرهنگ سغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی)، فرهنگان، تهران ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_، «نظام فعل در زبان سغدی»، مجله زبانشناسی، سال دهم، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۲)، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲-۵۴.
- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس (ترجمه و تألیف)، طهوری، تهران ۱۳۴۹.
- GILLMAN, Ian and Hans Klimkeit (1999), *Christian in Asia Before 1500*, Curzon Press, Richmond Surrey, Great Britain.
- HANSEN, O. (1954), *Berliner Sogdische Texte II*, Berlin.
- SCHWARZ, Martin (1967), *Studies in the Texts of the Sogdian Christians*, Ph.D. dissertation, University of California, Berkeley.
- SIMS-Williams, N. (1985), *The Christian Sogdian Manuscript C2*, Akademie-verlag, Berlin.
- \_\_\_\_ (1990), "Bulayiq", *Encyclopaedia Iranica*, vol. IV/2 Routledge and Kegan Paul, London and New York.
- \_\_\_\_ (1992a), "Christianity in Central Asia and Chinese Turkestan", *Encyclopaedia Iranica*, vol. V, California, pp. 530-534.
- \_\_\_\_ (1992b), "Christian Literature in Middle Iranian Languages", *Encyclopaedia Iranica*, vol. V, California, pp. 534-535.
- \_\_\_\_ (1992c), "Sogdian and Turkish Christians in the Turfan and Tun-Huang Manuscripts", Leo S. Olschki (ed.), Firenze, pp. 43-61.

نشانی اینترنتی:

<http://www.kelisanet.org/shamframe.html>

